



پای صحبت دبیران دینی و قرآن شهرزاهدان

یکی از علل کم‌توجهی دانش‌آموزان به درس دینی و قرآن دبیران غیرمتخصص است

یونس باقری
مهدی مروچی

اهل تسنن و اهل تشیع بوده‌ام. خاک سفیدی هستم و در دبیرستان نسترن و گروه‌های آموزشی فعالیت دارم. حیدری امین: ام‌البنین حیدری‌امین هستم با ۲۴ سال سابقه کار و در گروه‌های آموزشی و دبیرستان فعالیت دارم. کندری: زهرا کندری هستم و در دبیرستان صفارزاده: فرحناز صفارزاده با حدود ۲۵ سال سابقه کار.

ع: خب بحث را از آقای رضوانی‌نیا شروع می‌کنیم رضوانی‌نیا: کتاب دینی و قرآن خوش‌بختانه در کشور ما از همان اوایل، یعنی دوره ابتدایی، شروع خوبی دارد و وقتی وارد مرحله دبیرستان می‌شود، با تلفیقی از کتاب دینی و قرآن مواجه می‌شویم. خب طبیعتاً دانش‌آموز یک سلسله مطالب را در درس کتاب دینی و قرآن می‌خواند، اما برخی مطالب هم به‌صورت آزاد مطرح شده‌اند تا با قدرت تفکر و تجزیه تحلیل، دانش‌آموزان در فضای بحث برداشت‌های خود را بیان کنند. اوایل ممکن است که دانش‌آموزان با این روش مشکلاتی داشته باشند، اما وقتی جلوتر می‌روند، خودشان را با این موضوع وفق می‌دهند و باور می‌کنند که باید قرآن را علاوه بر ترجمه تحت‌اللفظی، بفهمند.

این کار بسیار خوب و عالی است، اما متأسفانه در اجرا مشکلاتی داریم. مشکلات این است که در دوره دبستان یا در دوره متوسطه اول، مقداری

اشاره

در «پژوهشگاه شهرستان زاهدان» خدمت همکارانی رسیدیم که سالیان متمادی سابقه تدریس دینی و قرآن را در این استان داشتند. در این نشست، آقای جوان، سرگروه محترم دینی و قرآن، و آقایان ابراهیم خدادادی، محمدرضا رضوانی‌نیا و سرکار خانم‌ها ام‌البنین حیدری‌امین، صفارزاده، خاک‌سفیدی و زهرا کندری و فرحناز صفارزاده حضور داشتند. در ادامه گزارش این گفت‌وگو تقدیم می‌شود.

ع: می‌خواهیم ببینیم مشکلات و مسائل همکارانمان در درس دینی و قرآن چیست؟

در واقع، مجله «رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی» رسانه معلمان دینی و قرآن است. حال اگر ممکن است، دوستان خودشان را معرفی کنند تا بحث را شروع کنیم.

خدادادی: ابراهیم خدادادی هستم با ۲۹ سال سابقه تدریس.

رضوانی‌نیا: محمدرضا رضوانی‌نیا هستم و ۲۶ سال سابقه کار دارم. در این مدت، معلم دینی

از آموزش قرآن شفاهی است و امکان دارد توجه خانواده‌ها و معلمان مدرسه به درس قرآن و دینی به‌عنوان یک درس شفاهی کمتر باشد. در نتیجه خروجی همان می‌شود که می‌بینیم. یعنی دانش‌آموزی که با رتبه بالایی در کنکور تیزهوشان یا دانشگاه قبول شده است، در خواندن قرآن مشکل دارد. اگر در دوره ابتدایی کار می‌شد، اینجا چنین مشکلی نداشتیم. این مشکلات دامنگیر من معلم در دبیرستان می‌شود.

ع یعنی چندین کار باید انجام بدهید: هم روخوانی، ترجمه و تدبیر درس بدهید و هم معارف را تدریس کنید.

رضوانی‌نیا: به نظر من ترتیب محتوای کتاب‌های اول تا سوم با سبک کتاب سال چهارم کاملاً تفاوت دارد از طرفی ما در تعالیم اسلام به‌طور کلی سه بخش عمده داریم: اصول و اعتقادات، احکام عملی یا فروع دین، و بحث اخلاقیات و مسائل اجتماعی. اما کتاب به این صورت است که بحث توحید و خداشناسی در کتاب اول، بحث معاد در کتاب دوم و بحث نبوت در کتاب سوم مطرح شده است. یعنی دانش‌آموزی که در دوره اول دبیرستان به سن تکلیف می‌رسد، اول خدا را می‌شناسد، یک‌سال بعد درباره معاد اطلاعاتی کسب می‌کند، و سال دیگر به دنبال نبوت و امامت می‌رود و این مقداری دیر است. همه این‌ها را باید هم‌گام و هم‌زمان جلو برود.

در پایان هم امتحان نهایی داریم و بعد بحث کنکور مطرح می‌شود. نحوه طرح سؤال در امتحان نهایی به مراتب متفاوت با نحوه سؤال در کنکور است. یعنی بیان مفاهیم و اصل محتوای کتاب بر این است که ما مفاهیم و آیات قرآن را از قرآن استنباط کنیم. اما در یک تست کنکور از ۲۵ سؤال تست کنکور، ۱۸ تا ۲۰ سؤال از مفاهیم آیات است. عین آیه یا در سؤال آمده یا در گزینه‌ها مطرح شده است. گاهی مفاهیم آیات به نحوی مطرح می‌شود که اصلاً عین آن عبارت در خود کتاب درسی موجود نیست. یعنی دانش‌آموز باید کاملاً به این محتوای آیات مسلط باشد و حتی ارتباط آیات سال دوم، سوم و چهارم را باید کاملاً بداند. در امتحان نهایی سال سوم، ۱/۷۵ تا ۲/۵ نمره ترجمه آیه و مفاهیم آیات می‌آید، اما در کنکور از ۲۵ سؤال، ۱۸ تا ۲۰ سؤال، یعنی تقریباً ۶۰ تا ۸۰ درصد به این موضوع اختصاص دارد. این اصلاً هم‌خوانی ندارد. چند سال پیش در اینترنت چشمم به کارنامه نفر اول کنکور رشته ریاضی و فیزیک خورد این دانش‌آموز تمام درس‌های تخصصی را ۱۰۰ زده بود، به جز یک مورد. در درس دین و قرآن پایین‌تر از ۱۰۰ بود و رقمش را دقیقاً به یاد ندارم. خوب این نشان‌دهنده دوگانگی و چندگانگی است. عموم دانش‌آموزان با این مشکل مواجه هستند.

کندری: وقتی که بحث شیعه و سنی مطرح می‌شود و ضمیمه‌ای در کنار کتاب اصلی گنجانده‌اند، برای این ضمیمه ساعتی را اضافه کنند. ما دانش‌آموزان را تفکیک نمی‌کنیم و خیلی راحت برای هر دو گروه مسئله را مطرح می‌کنیم. موضوع امامت و خلافت حتماً باید برای دانش‌آموزان تبیین شود. یعنی دانش‌آموز باید جایگاه این دو موضوع را حتماً درک کند. به‌رحال این روال و روش در این مناطق حجم کار را وسیع‌تر و سنگین‌تر می‌کند. در همان فضا و همان شرایط ما باید هر دو کار را انجام بدهیم. بهتر است روی این مسائل یک مقدار بیشتر تدبیر شود و در قسمت تألیف این کتاب‌ها تجدیدنظر و بازسازی انجام پذیرد.

صفازراده: سال سوم به نظر من خیلی سنگین است و بحث امامت و نبوت آن کار را سنگین‌تر می‌کند. کسانی که دست‌اندرکار هستند، کاری کنند که این مطالب کمی ساده‌تر و بهتر شوند. دانش‌آموزان به شدت از کتاب سال سوم شکایت دارند. می‌گویند می‌خوانیم، ولی متوجه نمی‌شویم.

ع منظور شما این است که حجم و موضوعات کتاب سال سوم سنگین است. همان‌طور که آقای رضوانی‌نیا نیز گفتند، چند سال پیش تفکیک بود، یعنی کتاب قرآن جدا از کتاب دینی بود. برگردد به آن زمان یا اینکه تلفیقی باشد و فقط اسم آن را عوض کنند؟

صفازراده: خیر، تلفیقی باشد بهتر است و مشکل اسمش نیست.

حیدری امین: چرا اسم مشکل است.

جوان: من فقط یک جمله بگویم: موضوع درس تعلیمات دینی و قرآن است و عنوان دین و زندگی فرعی است.

حیدری امین: هدف این بود که دین وارد زندگی شود. درست است؟ با همین هدف گفته شده است دین و زندگی. دین را ما نتوانسته‌ایم واقعاً وارد زندگی کنیم. این معضلی است که همه همکاران دارند.

ع خب چرا نتوانسته‌اید؟ یعنی مشکل آن کجا بوده است؟

حیدری امین: به این دلیل که عملاً نتوانسته‌ایم دین را وارد زندگی بچه‌ها کنیم. من بحشم روی محتواسم. با تجربه ۲۳ ساله‌مان می‌دانیم که محتوای این کتاب‌ها نتوانسته است آن جهتی را که می‌خواست به زندگی بدهد و در این مورد پیشرفتی نداشته است.

صفازراده: وارد زندگی شده است. چون ما در کنار آن خیلی صحبت‌های دیگر هم می‌کنیم. من در این ۲۷ سالی که تدریس کرده‌ام، بچه‌هایم از

صفازراده: سال سوم به نظر من خیلی سنگین است و بحث امامت و نبوت آن کار را سنگین‌تر می‌کند. کسانی که دست‌اندرکار هستند، کاری کنند که این مطالب کمی ساده‌تر و بهتر شوند



خاک سفیدی:
زمان قرائت قرآن بسیار کم است. اگر قرار باشد که ما روی قرائت بچه‌ها هم کار کنیم، این سه ساعت فقط برای خود دینی کفایت می‌کند و به قرائت نمی‌رسد



درس دینی و قرآن خیلی خوششان آمده است. **این درست است، ولی اینکه وارد زندگی هم شده است یا نه بحث دیگری است.**

خاک سفیدی: خانم صفارزاده اگر وارد زندگی شده باشد، پس بچه‌های ما باید از لحاظ اعتقادی خیلی بهتر از این باشند.

صفارزاده: در جامعه باید بیشتر کار شود. **حیدری امین:** جامعه چیزی جز مجموعه افراد نیست.

خاک سفیدی: دختر من که دختر یک دبیر دینی و قرآن است، اگر حرف‌های من روی او هیچ اثری نداشته باشد، باید حرف‌های دبیرش و کتاب روی او تأثیر گذاشته باشد. به نظر من تأثیر همگانی نیست، چون تأثیری که ما الان می‌بینیم شاید تا دوره دبیرستان و در محیط خانواده و مدرسه است، ولی وقتی وارد دانشگاه می‌شود آموزش ما تا حدودی کم‌رنگ می‌شود.

حالا من از شما سؤالی دارم: به نظر شما چرا این کتاب‌ها نتوانسته‌اند دین را وارد زندگی بچه‌ها کنند؟

خاک سفیدی: همان که همکاران گفتند. از لحاظ محتوایی من با این کتاب موافق نیستم. بچه‌های ما هنوز در اصول دین مشکل دارند، در صورتی که در گذشته این‌طور نبود.

یعنی چون بچه‌ها از حیث نظری نمی‌توانند پاسخ این سؤالات را بدهند، دین وارد زندگی نشده است یا اینکه مشکل دیگری وجود دارد؟

خاک سفیدی: خیر، هم نظری و هم عملی دین وارد زندگی‌شان نشده است. شاید من به‌عنوان معلم دینی و قرآن نتوانسته باشم یعنی با اعمال خودم نتوانسته باشم این درس را به دانش‌آموز خوب بگویم.

آیا مشکل دانش‌آموزان نتیجه عمل ما معلم‌هاست؟

صفارزاده: پنجاه پنجاه است. معلم می‌تواند خیلی مؤثر باشد.

جوان: آیا رفتارهای دینی دانش‌آموز منحصراً باید توسط معلم دینی نهادینه شود یا صداوسیما، خانواده، جامعه و دیگران هم دخیل‌اند؟ چند عامل دیگر هم مهم هستند. یکی از آن‌ها کتاب دینی و قرآن است.

رضوانی‌نیا: اول باید ببینیم این کتابی که در اختیار دانش‌آموز گذاشته شده، با چه هدفی گذاشته شده است. اولین چیزی که هم به ذهن من معلم و هم به ذهن دانش‌آموز می‌آید، نمره است. به این دلیل آموزش دین وارد زندگی نشده است که در کلاس درس، دین را نمی‌تواند تجربه کند.

جوان: اصل بحث این است که چه قدر این‌ها در باورهای ذهنی دانش‌آموز نهادینه شده‌اند. آیا طراحان و مؤلفان این کتاب توانسته‌اند با کلماتی که در این سلسله کتاب‌ها گنجانده‌اند، مفاهیم دینی را ذهن دانش‌آموز نهادینه کنند، به گونه‌ای که خودش پلیس خودش باشد تا موقعی که می‌خواهد گناه کند، بگوید که نکنم؟ آیا این کتاب‌ها ما را به این هدف رسانده‌اند؟

توضیحی بدهم و بعد شما صحبت بفرمایید. بعضی‌ها می‌گویند که چون مسائل دینی براساس فطرت انسانی در درون هر کس وجود دارد، نیازی به نهادینه‌سازی نیست. ما امری بیرونی را باید نهادینه کنیم. یعنی عده‌ای عقیده دارند که اصلاً مسائل دینی را نمی‌خواهد کاری کنیم. در واقع ما نباید اصلاً تربیت کنیم. ما مثل برف پاک‌کن ماشین‌ها هستیم. کار برف پاک‌کن فقط تمیز کردن است. ما هم فقط باید این آلودگی‌ها را کنار بزنیم. خودبه‌خود این بچه بر آن فطرت پاک خودش که دینی است، به درستی زندگی می‌کند.

خدادادی: مطالبی که قبلاً و در دوره ابتدایی در کتاب دینی آمده بود، داستان‌های شیرینی از امامان معصوم (ع) بود. در دوره راهنمایی که من چند سال درس می‌دادم نیز همین روال بود و ادامه داشت تا دبیرستان. الان بعضی از این مطالب عرفانی‌اند و دانش‌آموز آن‌ها را نمی‌فهمد. مطلب مهم دیگر اینکه در اکثر مدارس تدریس دینی را افراد غیرمتخصص برعهده دارند. یکی از عللی که برخی از دانش‌آموزان ما نسبت به درس دینی بی‌علاقه هستند، وجود معلمان غیرمتخصص است که حتی قرآن هم نمی‌توانند بخوانند. نباید به دبیر غیرمتخصص درس دینی و قرآن را بدهند.

خاک سفیدی: زمان قرائت قرآن بسیار کم است. اگر قرار باشد که ما روی قرائت بچه‌ها هم کار کنیم، این سه ساعت فقط برای خود دینی کفایت می‌کند و به قرائت نمی‌رسد.

اگر شما هم نظرتان این است که کتاب دینی از قرآن جدا شود، لطفاً دلایلتان را بفرمایید.

حیدری امین: به نظر بنده، اگر جدا کنیم می‌توانیم قاریان خوب و تراز اولی داشته باشیم. چرا باید در دوره دبیرستان بچه‌ها از خواندن چهار تا آیه دست و پایش برلزد. نمی‌تواند بخواند و می‌گوید که خجالت می‌کشم. به این دلیل است که قرآن در حاشیه قرار گرفته است. اگر قرآن جدا شود، در همان کتاب قرآن ما می‌توانیم تفاسیر موضوعی هم داشته باشیم و فقط قرآن نباشد.

آقای خدادادی به این مطلب اشاره‌ای کردند که

در دوره متوسطه اول، اگر دینی و قرآن در نهاد بچه‌ها تأثیر بیشتری دارد، به این دلیل است که قصه‌های قرآنی در کتاب دینی زیادند. متأسفانه با آن پیش‌زمینه وقتی وارد دبیرستان می‌شوند، بحث قصص ۹۹ درصد جمع می‌شود. شما می‌دانید که داستان تأثیر بسیار بیشتری دارد.

مورد دیگر این است که در سال سوم با مطالب بسیار سنگین و سه ساعت، دبیر عملاً نمی‌تواند برای قرآن هیچ کار مفیدی انجام دهد. یعنی فقط هدفش این است که کتاب را تمام کند. بحث احکام هم متأسفانه در کتاب‌های دین و قرآن ما بسیار مظلوم واقع شده است. قبلاً در کتاب‌هایمان احکام خیلی گسترده‌تر از این بیان می‌شدند. برای احکام بهتر است فکری بشود. ببینید به نظر من، موضوع اینترنت و ماهواره و مانند این‌ها جای بحث بیشتری در کتاب‌های دین و قرآن ما دارد. چه اشکالی دارد که از سال اول ما بیاییم برای بچه‌ها بگوییم؟

ع: از زاویه احکام می‌فرمایید؟

حیدری‌امین: بله، از جنبه احکام ما بیاییم بررسی کنیم و مثلاً بگوییم من مسلمان در برخورد با ماهواره و یا مسائل روزی که امروزه در تبلت‌ها و گوشی‌ها معضل اکثر بچه‌ها و خانواده‌ها شده است، به صورت فقهی چگونه باید عمل کنم. این کار صورت نگرفته و فقط مقدار مختصری در دین و قرآن سال چهارم به آن پرداخته شده است که آن را هم بچه‌ها جدی نمی‌گیرند.

ع: یعنی شما فکر می‌کنید که اگر موضوع اینترنت و ماهواره از نظر فقهی در کتاب بررسی شود، تمایل بچه‌ها به اینترنت و ماهواره کم می‌شود؟ یعنی مشکل این‌گونه حل می‌شود؟

حیدری‌امین: من معتقدم که بی‌تأثیر نیست. مثلاً وقتی در مورد نماز ما توصیه می‌کنیم که

بچه‌ها نماز را سروقت بخوانید، بچه‌ها با هم به نماز خانه برویم و نمازمان را بخوانیم، بچه‌ها خود را موظف می‌دانند که این‌گونه رفتار کنند.

ع: بچه‌ها برای نماز این کار را می‌کنند. ببینید، الان احکام نماز و روزه برای بچه‌های ما گفته شده است، حالا آن‌ها چقدر نماز می‌خوانند، نماز اول وقت می‌خوانند یا نماز جماعت می‌خوانند؟ آیا واقعاً برای بچه‌ها مؤثر بوده است؟

حیدری‌امین: نمی‌گویم که صد درصد تأثیر داشته، ولی بی‌تأثیر هم نبوده است. وقتی بحث نماز را مطرح می‌کنیم و از آن طرف هم به مسائل آخرت، معاد و جزا و سزای اعمال می‌پردازیم، خودبه‌خود دانش‌آموز آن‌ها را به هم ربط می‌دهد. ولی به نظر من، او این مسائل را کار روزمره زندگی خود می‌داند و به‌عنوان یک تکلیف برایش هیچ قیدوبندی نیست.

خاک‌سفیدی: به دانش‌آموز نمی‌توان گفت که از ماهواره یا اینترنت جدا شود، ولی به نظر من می‌توان راهکاری درست به او داد. یعنی با مسائلی که عنوان شد، شاید بتوان به او جهت داد. مثلاً گوشی تلفن همراه دست هزاران نفر است، ولی شاید نیمی به‌درستی از آن استفاده می‌کنند و نیمی خیر. فکر می‌کنم نیمی که به‌درستی از گوشی استفاده می‌کند، چون اطلاعات درستی دریافت کرده، خودش می‌داند که کاربرد گوشی در این موارد است.

کندری: در بحث توجه بیشتر به قرآن، من هم موافقم به این دلیل که الان به قرآن کمتر پرداخته می‌شود؛ هم تجوید، هم احکام و هم تفسیر.

خاک‌سفیدی: در کتاب‌های دوره دبیرستان رسم‌الخط خیلی راحت است. فکر می‌کنم جابه‌جایی باید صورت بگیرد. یعنی رسم‌الخط دوره

**بحث احکام
هم متأسفانه در
کتاب‌های دین و
قرآن ما بسیار مظلوم
واقع شده است.
قبلاً در کتاب‌هایمان
احکام خیلی
گسترده‌تر از این
بیان می‌شدند. برای
احکام بهتر است
فکری بشود**





متوسطه اول باید با رسم الخط دوره متوسطه دوم جابه‌جا شود.

✎ فرمایش شما درست است. در کتاب‌های دینی و قرآن متن قرآن نیامده است. یعنی همه آن‌ها حروف چینی است. در دوره متوسطه اول رسم الخط کم علامت آمده است، ولی از آنجا که قرار بود بچه‌ها بتوانند روخوانی قرآن را انجام بدهند، عین متن قرآن آمده است. اشکالی که شما می‌بینید، از این نظر است، و گرنه همه این‌ها کم علامت هستند. اینجا حروف چینی است و آنجا متن قرآنی.

✎ خاک سفیدی: به نظر شما حروف چینی برای دوره متوسطه اول بهتر نیست؟

✎ ظاهراً حروف چینی بهتر است. تمرین‌ها با حروف چینی آمده‌اند. خب آقای جوان شما بفرمایید.

جوان: درباره اینترنت، رسانه‌ها و ماهواره می‌خواهم بگویم، لزوماً نرم‌افزارها بد نیستند، اما نوع نگرش به این نرم‌افزارها تعیین‌کننده تربیت خانوادگی و جایگاه اجتماعی و باورهای دینی هر انسانی است. یعنی ماهواره می‌تواند خیلی خیلی بد، مضر و خانمان برانداز باشد. اگر ما اطلاعات صحیح به دانش‌آموز ندهیم، افراد دیگر قطعاً اطلاعات ناصحیح به او خواهند داد؛ چه زمینه دینی و اخلاقی، و چه زندگی و رفتار با پدر و مادر. اگر ما اطلاعات صحیح در اختیار دانش‌آموزان قرار ندهیم، به هر حال ذهن او کنجکاو است و دنبال این اطلاعات خواهد رفت بهتر این است که ما جواب صحیح را در خصوص ازدواج، استفاده از گوشی همراه، اینترنت و ماهواره و غیره، به خصوص در این استان که کشورهای عربی همسایه ما سرمایه‌گذاری می‌کنند و خوراک فکری می‌فرستند، اکثر وقت و انرژی ما برای مقابله با شبهاتی صرف می‌شود که برای ما از آن طرف فرستاده می‌شوند. ما باید دانش‌آموز را اغنا کنیم و نه فقط جوابی بدهیم که دلش خوش باشد. باید چنان جواب درستی به او بدهیم که اگر به مجلسی رفت و دو نفر دیگر به او حرفی زدند، او هم حرفی برای گفتن داشته باشد. نه اینکه احساس کمبود کند که من نمی‌توانم از دین خودم دفاع کنم.

✎ درباره کتاب دینی و قرآن سال اول چه نظری دارید؟

جوان: برای تدریس کتاب‌ها ساعت کم است.

✎ هیچ کاری نمی‌توان انجام داد. چون همه درس‌ها می‌گویند که ساعت ما را زیاد کنید.

جوان: در این خصوص که بعضی از دوستان می‌فرمایند کتاب دینی را از قرآن جدا کنیم، دو تجربه وجود دارد. زمانی کتاب قرآن از دینی جدا

بود، اما در آن دوره به این جمع‌بندی رسیدند که بهتر این است ما قرآن را از دین دانش‌آموز جدا نکنیم. زیرا ممکن است چنین فکر کند که دین یک چیز است و قرآن چیز دیگری. شاید این نگاه وجود داشت که این دو باید تلفیق شوند، چون دین ما برگرفته از قرآن است. هدف این نبود که قرآن در حاشیه درس دینی قرار بگیرد اما عملاً اتفاقی بوده که افتاده است و به ظرافت تدریس دبیر بستگی دارد. کمتر دبیری داریم که در مورد هر دو حق مطلب را ادا کرده باشد. اکثر همکاران ما از قرآن متأسفانه فقط دنبال پیام آیات هستند. یعنی اینکه از این آیه چه فهمیدید. این هم ربطی به قرآن ندارد، بلکه بحث دینی است و کمک می‌کند به تدریس بخش دینی درس.

✎ خاک سفیدی: صرفاً هم به‌خاطر همان نمره‌ای است که همکاران گفتند.

جوان: اگر ۱۵ نمره دینی و ۵ نمره قرآن باشد، ۳ قسمت ساعت برای دینی است و یک قسمت برای قرآن. یعنی ما در تدریس خودمان یک قسمت از ساعت را بگذاریم فقط اختصاصی برای آیات. ولی عملاً این اتفاق نمی‌افتد. از خود همکاران که باز خورد می‌گیرم که چگونه درس می‌دهید، می‌گویند که قرآن را می‌خوانیم، توضیح می‌دهیم و گاهی به کمک دانش‌آموزان ترجمه می‌کنیم و از کسانی که حوصله‌شان بیشتر است، برای تدریس بخش دینی استفاده می‌کنیم. یعنی نهایت کاربری کلمات قرآنی در این درس برای این است که به روشن ساختن مفاهیم دینی که در صفحات بعد آمده‌اند، کمک کند و نه فقط قرآن را به‌خاطر خود قرآن.

✎ نظر بقیه دوستان چیست؟ برای این مشکل باید چه کار کنیم؟

جوان: نظر من این است که در کلاس‌های آموزش ضمن خدمت به دبیرها آموزش داده شود که چگونه در کلاس تدریس کنند.

✎ چون تمام دبیران در آموزش ضمن خدمت شرکت نمی‌کنند، در نتیجه توجیه نمی‌شوند.

جوان: نگاه کنید، مثلاً وقتی که کودک هفت‌ساله است، خانواده او را تحویل ما داده و ما ۱۸ ساله می‌خواهیم او را به جامعه تحویل بدهیم. از نظر ما او چه قدر باید قرآن بداند؟

✎ یعنی از قرآن چه چیزهایی را باید بداند؟ حالا شما اگر بخواهید هدف‌گذاری کنید، چه کار می‌کنید؟

جوان: انتظار ما این است که بعد از ۱۲ سال که کودک تحت تربیت ما بوده و حالا نوجوان شده است، روخوانی قرآنش خوب باشد. علاوه بر روخوانی قرآن، ترجمه قرآنش هم خوب باشد. علاوه

درباره اینترنت، رسانه‌ها و ماهواره می‌خواهم بگویم، لزوماً نرم‌افزارها بد نیستند، اما نوع نگرش به این نرم‌افزارها تعیین‌کننده تربیت خانوادگی و جایگاه اجتماعی و باورهای دینی هر انسانی است



بر روخوانی و ترجمه، تفسیر قرآن هم خوب بدانند. اول هدف‌گذاری کنیم که محصول نهایی ما چه می‌خواهیم باشد.

من فکر می‌کنم که اگر ما بتوانیم با توجه به وضعیت امروز، دانش‌آموز را به حدی برسانیم که بتواند ترتیل استاندارد بخواند و ترجمه روانی، در حدی که بفهمد این آیه قرآن چه گفته است، ارائه دهد، کافی است.

شما مهارت‌های کمی هم نخواسته‌اید.

جوان: خب این دیگر حداقل‌های قرآن است.

به نظر شما چرا بچه‌ها در خانه‌هایشان قرآن نمی‌خوانند و با قرآن مأنوس نیستند. راه درمانش چیست؟

خدادادی: به خاطر اینکه در خانواده با آن‌ها کار نمی‌شود. در قدیم قرآن را در مدارس آموزش نمی‌دادند. من خودم قرآن را در مکتب‌خانه یاد گرفتم.

این مربوط به قبل از انقلاب است. الان ۳۵ سال از انقلاب می‌گذرد. همان زمان هم همه یاد نمی‌گرفتند.

خدادادی: الان هم اگر همان روش اجرا شود، عالی است.

پس یکی از علت‌های مأنوس نبودن دانش‌آموزان با قرآن، روش‌های آموزش ما در مدارس است.

خدادادی: بله، یکی روش آموزشی است و دوم عدم حمایت خانواده‌ها.

رضوانی‌نیا: خانواده و جامعه اگر به این موضوع اهمیت بدهد، در دوره ابتدایی شروع خوبی داریم. اوج خوبی هم داریم، اما اجرای خوبی نداریم. ما اگر در دوره ابتدایی اجرای خوبی داشته باشیم، مشکل حل می‌شود.

من فقط این موضوع را توضیح بدهم تا ذهنیت همکارها روشن شود. در دوره ابتدایی همه درس‌ها را باید معلم پایه بدهد، از جمله درس قرآن. معلم پایه بهترین معلم قرآن بچه‌هاست، همان‌طور که معلم پایه بهترین معلم ریاضی بچه‌هاست.

رضوانی‌نیا: معلم اگر به همان اندازه که به درس ریاضی و علوم اهمیت می‌دهد، به قرآن هم اهمیت بدهد و به همان اندازه که درس ریاضی و علوم را از دانش‌آموز می‌خواهد، قرآن را هم بخواهد، مشکل حل می‌شود.

ولی مأنوس شدن بچه‌ها با قرآن چه می‌شود؟

خاک‌سفیدی: این بر می‌گردد به خانواده. وقتی بچه ببیند که پدر یا مادرش قرآن می‌خواند، با خود می‌گوید حتماً ضرورتی دارد که پدر و مادر قرآن می‌خوانند.

به نظر می‌رسد عموم خانواده‌ها با قرآن مأنوس نیستند. تکلیف چیست؟

کندری: گاه وضع مالی افراد بسیار خوب است و از همه جهات تأمین هستند و آن‌قدر درگیر کارهای دنیوی خود می‌شوند که از امور معنوی فاصله می‌گیرند. تنها زمانی به یاد معنویات می‌افتند که مشکلات زندگی‌شان زیاد باشد. وقتی مشکلات مادی داشته باشند، یادی از خدا می‌کنند. یکی از دلایلش می‌تواند این باشد.

حالا راه حل چیست؟

کندری: من نتوانستم راه‌حل خاصی پیدا کنم، مگر اینکه فرد خودش بخواهد و این اراده را داشته باشد تا بتواند به دنبال معنویات برود. یعنی افراد باید واقعاً تمایل داشته باشند.

جوان: اگر خانواده‌ها آن‌قدر که نسبت به مسواک زدن بچه‌ها به‌عنوان کاری که باید حتماً هر شب انجام بشود، حساسیت دارند، در مورد یک آیه قرآن داشته باشند، آموزش قرآن در خانه جا می‌افتد. اگر خانواده با قرآن مأنوس باشد، بچه هم مأنوس می‌شود. البته معلم هم تأثیرگذار است و این روند را تسریع می‌کند.

خاک‌سفیدی: بسیاری از خانواده در تابستان فکر کلاس زبان بچه هستند. فکر می‌کنند، اگر بچه زبانش خوب بشود، فردا می‌تواند به خارج از کشور برود یا شغل بهتری داشته باشد و یا دانشگاه بهتر قبول شود. ولی کلاس قرآن ممکن است در طول زندگی‌اش هیچ تأثیر مثبتی نداشته باشد. دید خانواده این است. ما به مدرسه‌ای برای بازدید رفتیم دیدم مدیر مدرسه به دانش‌آموزان برتر قرآن هدیه می‌دهد. پرسیدم چرا قرآن هدیه می‌کنید؟ قرآن‌های زیادی در خانه‌ها زندانی‌اند و هفته‌ای یک‌بار هم خوانده نمی‌شوند. بیا بیا کتاب دیگری بدهید، حداقل وقتی دانش‌آموز می‌خواند بار علمی‌اش بالا برود. به هر حال سودی برایش داشته باشد. گفت اینجا برعکس است. دانش‌آموز می‌گوید بودجه ندارم که قرآن بخرم. به دانش‌آموزانی که می‌گویند که ما در خانه قرآن نداریم ولی نیاز داریم، هدیه می‌کنیم. خانواده‌ها اصرار دارند که فرزندانشان حتماً قرآن بخوانند، ولی قرآن در خانه یافت نمی‌شود. جالب اینجاست که مثلاً پدر برای خودش قرآن جدا دارد و مادر، پسر و دختر هم هر کدام جدا دارند. یعنی تا این حد به قرآن اهمیت می‌دهند که هر کس برای خودش یک قرآن دارد. ولی ما در خانواده‌های خود آن‌قدر قرآن نمی‌خوانیم که روی آن خاک هم می‌نشیند. این اعتقاد من است که خانواده‌های ما اهمیت نمی‌دهند.

خیلی ممنون. واقعاً متشکریم که وقت گذاشتید و استفاده کردیم. من که خودم خیلی استفاده کردم.

جوان: اگر خانواده‌ها آن‌قدر که نسبت به مسواک زدن بچه‌ها به‌عنوان کاری که باید حتماً هر شب انجام بشود، حساسیت دارند، در مورد یک آیه قرآن داشته باشند، آموزش قرآن در خانه جا می‌افتد